

محمد مهدی زارع در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: اگر در ایران می‌ماندم، از نظر مالی برای من بهتر بود

روسیه فقط انتخاب خودم نبود

■ پیشنهاد سرخابی‌ها؟ مسیر پیشرفت را انتخاب کردم ■ تیم‌های محلات هم امکاناتشان از آکادمی استقلال بهتر بود



محمد رضا حاجی عبدالرزاق خبرنگار گروه ورزش

محمد مهدی زارع، یکی از محصولات آکادمی استقلال است؛ بازیکنی که در یکی از بهترین نسل‌های پایه این باشگاه رشد کرد، اما نه‌تنها دیده نشد، بلکه سال‌ها بعد باید از مسیرهای دیگری خودش را به سطح اول فوتبال می‌رساند. زارع حالا لژیونر شده و در لیگ روسیه برای تیم احمد گروژنی بازی می‌کند. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از روزهای تلخ آکادمی استقلال، کمبودها، بی‌توجهی‌ها ورنجی‌که با پیراهن استقلال در این آکادمی کشیده، صریح صحبت می‌کند. زارع این‌طور می‌گوید که در آن روزها حتی آب گرم برای دوش گرفتن نداشتند، توپ تمرین کم بود و تغذیه بازیکنان وضعیت مناسبی نداشت.
باین حال دلش به همان نام و اعتبار خوش بود. در ادامه او از دعوت به تمرینات تیم بزرگسال استقلال در زمان ریکاردو ساینتنو و بدشناسی یا خوش‌شانسی مصدومیتی می‌گوید که شاید فرصت ماندنش را از بین برد. درباره تجربه بازی در پارس جنوبی و گل گهر، انتقال به روسیه، نقش عثمان اندونگ و البته آرزوهایش برای رسیدن به لیگ‌های معتبر اروپا هم با او در این مصاحبه گپ زدیم.
زارع همچنین با احترام از مربیانی چون آرش برهانی و امید روانخواه یاد می‌کند و تأکید دارد که فوتبال ایران به‌درستی از استعدادهای پایه استفاده نمی‌کند و همین بی‌توجهی‌ها باعث شده باشگاه استقلال، استعدادهایی مانند او را یکی پس از دیگری از دست بدهد.
گفت‌وگوی «فرهیختگان» با یکی از جدیدترین لژیونرهای فوتبال ایران را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■■■

صحب‌ت‌را از آکادمی استقلال شروع کنیم. به نظر می‌رسد در آن زمان هم آکادمی این باشگاه با مشکلات زیادی همراه بوده است.

واقعاً از اول که وارد استقلال شدم، شرایط اصلاً خوب نبود. نمی‌دانم واقعاً چه بگویم. آخر فصل به‌قدری اوضاع خراب بود که نه کاور داشتیم، نه توپ تمرین درست‌وحسابی و نه هیچ امکانات دیگری. با آن شرایط سخت، ما با کمترین باخت قهرمان شدیم. تا نیم‌فصل اصلاً باختی نداشتیم، فقط یک بازی را باختیم. اما وضعیت غذا هم مثل امکانات دیگر و اقتضاح بود، رسیدگی به تیم هم اصلاً وجود نداشت.

چرا باید تیمی مثل استقلال بااین همه طرف‌دار و افتخارات، چنین وضعیتی در رده‌های پایه داشته باشد؟ چطور کار به اینجا می‌رسد؟

خودم هم واقعاً نمی‌دانم. فقط این را بگویم که اگر آقای آرش برهانی نبود، اوضاع خیلی بدتر می‌شد. برای باشگاه که انگار نه‌انگار که ما جزء پایه‌های استقلال هستیم. آقای برهانی با استفاده

از اعتبار خودش لباس می‌آورد، اسپانسر می‌گرفت و تا حدی اوضاع را جمع‌وجور می‌کرد. حتی آب گرم نداشتیم برای دوش گرفتن! فقط یک‌بار که تیم بزرگسالان آمد و هوا بارانی بود، گازوئیل آوردند، آب‌گرم‌کن روشن شد، ما هم از همان امکانات استفاده کردیم. واقعاً شرایط خراب بود. حتی تیم‌های محلات هم امکانات بهتری داشتند، ولی ما در آکادمی استقلال، هیچ چیز نداشتیم.
باین‌حال، اسم استقلال برای مان مهم بود. همه سختی‌ها را به جان می‌خریدیم چون دل‌خوشی مان این بود که زیر پرچم استقلال بازی می‌کنیم. ما به‌خاطر آن اسمی که بود و اعتباری که داشت بازی می‌کردیم.

در آن مقطع چرا در استقلال نماندی؟ از تیم بزرگسال هم پیشنهاد دریافت کردی؟

چرا، به تمرینات هم رفتم. ساینتنو سر مربی استقلال در دوره اول حضورش در تیم، برای اولین‌بار در دربی امیدها حاضر شد و من یک بازیکن دیگر به نام جلالی را خواست تا در تمرینات بزرگسالان شرکت کنیم. اما متأسفانه یا خوشبختانه، مصدوم شدم. حدود دو ماه نتوانستم بازی کنم. وقتی خوب شدم، در تمرینات تیم بزرگسالان حاضر می‌شدم و هم‌زمان برای امیدها هم بازی می‌کردم. ولی برای فصل بعدش دیگر شرایط طوری نشد که در تیم بزرگسال استقلال بمانم. دهرصورت دوست داشتم جایی باشم که بازی کنم.

در ادامه راهی پارس جنوبی شدی؟

بله، زیر نظر آقای روانخواه در پارس جنوبی بازی کردم. سال بعد هم به گل گهر رفتم.

وقتی در تمرینات استقلال حاضر بودی، ساینتنو نظری در مورد تو داشت؟

آن زمان مصدوم بودم، اما می‌گفتند ساینتنو خیلی من را قبول دارد و از بازی‌ام در دربی خوشش آمده بود. مستقیم با او صحبت نکردم، ولی از کادر فنی شنیدم که گفته بود سریع‌تر روبه‌راه شوم تا به تیم بزرگسالان ملحق شوم. آن مقطع تیم در خط دفاعی مشکل داشت؛ غلامی و مرادمند مصدوم بودند و بزادنی هم تنبیه انضباطی شده بود. ما هم به تمرین رفتم ولی قسمت نشد که بمانم.

در این سال‌ها آکادمی استقلال ده‌ها بازیکن مثل محمد مهدی زارع داشته که از دست‌داده است؛ بدون اینکه بهره‌فی یا مالی از آن‌ها ببرد. به نظر تو چرا این اتفاق می‌افتد؟

حالا خیلی دوست ندارم درباره این چیزها صحبت کنیم. همان سالی که ما قهرمان شدیم، حداقل از ۳۰ بازیکن تیم، شش یا هفت نفر توانایی حضور در تیم بزرگسال را داشتند. معمولاً تیم امید باید پایه تیم بزرگسالان باشد. با آن نتایج خوب، با کمترین باخت و بیشترین امتیاز، حداقل می‌توانستند دو بازیکن را حفظ کنند. خدا را شکر که مسیر برای من بد نشد، ولی بسیاری از بازیکنان آن تیم، فرصت دیدشدن پیدا نکردند. آقای برهانی خیلی تلاش کرد و خیلی تأکید کرد که این بازیکنان مستعند، ولی کسی گوش نمی‌داد.

معمولاً از آکادمی استقلال اخبار ناخوشایندی منتشر می‌شود؛ از حواشی و اتفاقاتی که شاید در همه آکادمی‌ها باشد؛ اما در استقلال پررنگ‌تر است. زمان شما هم چنین چیزی دیدیدی؟

من هم قبلاً این چیزها را شنیده بودم، ولی در دوره‌ای که من آنجا بودم، محیط خیلی خوبی داشت. فقط امکانات نبود. آقای برهانی خیلی زحمت کشید. چند بار گفت که این بچه‌ها خوب هستند، بیریدشان تیم بزرگسال.

اما کسی نبود به این حرف‌ها گوش بدهد و کسی توجهی نمی‌کرد.

به تیم احمد گروژنی برسیم. پارسال این تیم چندم شد؟

فکر می‌کنم سیزدهم یا چهاردهم شدیم.

چرا دو هفته اول لیگ را از دست دادی؟

من تازه دو روز است که با تیم تمرین می‌کنم. هنوز با تیم هماهنگ نیستم.

به نظر می‌رسد حضور عثمان اندونگ، هم‌تیمی‌ات در فصل قبل، به تو کمک می‌کند تا زودتر جا بیفتی.

بله. وقتی به اینجا آمدم، عثمان که زودتر رسیده بود، خیلی کمکم کرد تا اینجا جا بیفتم. باتوجه‌به شناسختی که از پارسال نسبت به هم داریم، فکر می‌کنم اسمال کارمان در تیم روس راحت‌تر باشد.

چرا در لیگ ایران نماندی؟ با اینکه از استقلال و پرسپولیس هم پیشنهاد داشتی.

این مسیری بود که برای پیشرفتم باید می‌رفتم. فرصت خوبی بود و نمی‌توانستم راحت از کنار آن بگذرم. آقای تارتار هم خیلی به من لطف داشت و پارسال به من بازی داد. البته من هم نتوانستم جواب اعتمادش را بدهم.

برخی معتقدند لیگ روسیه جای پیشرفت نیست و خیلی از بازیکنان ایرانی که به این کشور رفته‌اند در نهایت موفق نبوده و مجبور به بازگشت شده‌اند. این انتقال را سکوی پرتاب می‌بینی یا انگیزه مالی داشتی؟
بحث مالی برای من در این مقطع که اوایل فوتبالم است مطرح نیست و اصلاً درگیر این مسائل نیستم. واقعاً اولویت من پیشرفت است. حتی می‌توانم بگویم اگر در ایران می‌ماندم، از نظر مالی شرایط بهتری داشتم. ضمن اینکه تصمیم‌گیر نهایی هم خودم نبودم، چون تحت قرارداد باشگاه بودم. آن‌ها هم باید راضی می‌شدند!

میلاد محمدی هم قبلاً در این تیم بازی کرده است. در مورد او چیزی می‌شنوی؟

مدیر ورزشی تیم چند روز پیش از او تعریف می‌کرد و می‌گفت بازیکنان ایرانی‌ای که به اینجا آمدند، خیلی خوب بودند.

مقصد نهایی تو کجاست؟ طارمی ثابت کرد که حتی اگر پست‌ها متفاوت باشد، این مسیر شدنی است.

هدف همه بازیکنان این است که به بهترین تیم‌ها برسند. هدف من هم بازی در پنج لیگ معتبر اروپاست؛ مخصوصاً لیگ انگلیس یا اسپانیا. الان هدفم لیگ این دو کشور است.

از حضور در تیم ملی بزرگسالان برامان بگو.

حضور در تیم ملی حس فوق‌العاده‌ای داشت. روز اول آقای قلعه‌نویی خیلی به من لطف داشت و من را تحویل گرفت! چند نکته فنی هم درباره بازی‌ام گفت که وقتی به تیم باشگاهی برگشتم، همان نکات کمکم کرد.

در پارس جنوبی با مربی‌ای کار کردی که بعضی می‌گویند سفارشی به تیم‌ها می‌آید و سفارشی هم سرمربی تیم ملی امید شده است. در مورد روانخواه چه نظری داری؟

نمی‌دانم این حرف‌ها چرا مطرح شده است، اما واقعاً می‌توانم بگویم فوتبالم را مدیون آقای روانخواه هستم. اولین کسی بود که در بزرگسالان به من بازی داد. واقعاً از نظر فنی مربی بی‌نظیری است حرف ندارد. نه اینکه بخواهم چون شاگردش بودم تعریف کنم بلکه او مربی‌ای است که واقعاً به حقت نرسیده. بازی‌های تیمش در هوادر را هم دیدید که چطور مقابل تیم‌های بزرگ مثل استقلال و پرسپولیس بازی می‌کرد و آن‌ها را اذیت کرد که امیدوارم او یک روز به حقت برسد، از صمیم قلب می‌گویم چون یکی از فنی‌ترین مربیانی است که دیده‌ام.

گزارش

از سفر حاشیه‌ساز رئیس فدراسیون تا نتایج تلخ شمشیربازان

سقوط آزاد شمشیربازی!



یگانه عماری

خبرنگار

مسابقات شمشیربازی قهرمانی جهان دوم مرداد ماه در گرجستان آغاز شد و تیم ملی شمشیربازی ایران در سه اسلحه فلوره، سایر واپه بانوان و آقایان به مصاف رقبای خود رفت. نتایج حاصل شده از حضور شمشیربازان در این رقابت اما آنقدر عجیب و تلخ بود که کمتر کسی فکرش را می‌کرد. جدا از نتایج عجیب که در گزارش به آن اشاره خواهیم کرد، حواشی این مسابقات نیز دست کمی از نتایجش نداشت! رئیس فدراسیون که بارها نشان داده به سفر علاقه‌مند است، این بار هم به همراه دبیر فدراسیون در گرجستان حضور داشت و حضور دوباره «فتوحی» که عنوان مشخصی هم در تیم ندارد، باز هم حاشیه‌ساز شده است.

■ **آخر شدیم!**

اگرچه در میان اسلحه‌های مختلف شمشیربازی، همیشه سابرست‌ها موفق‌ترین تیم بودند، اما با روندی که بارها درباره آن تذکر داده بودیم، سابرست‌ها هم یک‌به یک با افت شدید رنکینگ مواجه می‌شوند. در حال حاضر علی‌باکدامن در پایان رقابت‌های انفرادی، در رده ۲۱ دنیا قرار گرفته. کاپیتان تیم ملی که روزگاری در پانزده نفر برتر دنیا قرار داشت، در این مسابقات در یک‌شانزدهم برابر حریف فرانسوی‌اش شکست خورد تا حسرت مدال جهانی شمشیربازی سایر ایران پنج ساله شود. محمد فتوحی هم یازده پله سقوط رنک داشت. باید خاطرنشان کرد که تیم ملی مردان فلوره کشورمان در مرحله یک‌سی‌ودوم برابر پرو شکست خورد و در بین ۳۶ تیم شرکت‌کننده آخر شد! تیم‌اپه زنان ایران هم در بازی نخست خود برابر هند شکست خورد و در بین ۳۸ تیم شرکت‌کننده، در رده آخر قرار گرفت. تیم فلوره دختران نیز با نتیجه ۴۵ بر ۹ برابر کانادا شکست خورد و بیست‌وهشتم شد. درواقع با شکست تیم سابر ایران برابر روسیه در بازی نخست نیز برای تمام ملی‌پوشان در انفرادی، به جز پاکدامن همان اتفاق همیشگی افتاد؛ شکست و عدم صعود به دورهای بعدی! اگر خبر را با دقت نخوانده‌اید، دوباره باید گفت که تیم ملی سابر ایران که در المپیک تا یک قدمی فینال رفت، از روسیه در بازی نخست مسابقات قهرمانی جهان شکست خورد!

■ **سفرهای توریستی ادامه دارد**

در حالی که نتایج ضعیف شمشیربازان ایران و به‌خصوص سابرست‌ها همه را شوکه کرده است، سفرهای عجیب در فدراسیون شمشیربازی ادامه دارد. اگرچه طبق تذکر وزارت ورزش به فدراسیون‌ها، رئیس و دبیر نباید با هم به سفر بروند اما گویا گوش شنوایی در این فدراسیون نیست و همیشه نفر سومی هم هست. درباره مسعود فتوحی، برادر ملی‌پوش شمشیربازی ایران که سفرهای وی پیش‌تر نیز برای شمشیربازی ایران حاشیه‌ساز بوده که مهم‌ترین آن حضور در دهکده ورزشکاران در المپیک پاریس بوده، باید گفت عنوان نشدن نام این فرد در لیست اعزام توسط خود فدراسیون بیشتر شانه‌به‌رانگیز شده است. فتوحی که هیچ عنوان مشخصی در فدراسیون ندارد و از او به عنوان عضو کمیته فنی یاد می‌شود، همواره پای اصلی اعزام‌ها و تصمیم‌گیری‌های فدراسیون است و هرگز پاسخی از مسئولان فدراسیون در این خصوص نگرفته‌ایم که او به چه عنوانی در سفرها حضور دارد و حالا چرا فدراسیون از ذکر نام او در لیست اعضای حاضر در مسابقات قهرمانی جهان خودداری کرده است تا‌خیر حضورش از طریق یک عکس رسانه‌ای شود؟ بارها گفتیم و نوشتیم که اوضاع شمشیربازی ایران که همواره یکی از امیدهای مدال‌آوری کشورمان بوده است، خوب نیست و باز هم می‌نویسیم. ذکر یک خبر اما ضروری است. تنها خبر خوب این روزهای شمشیربازی ایران: «علی پاکدامن کاپیتان تیم ملی سابر ایران به‌عنوان کاندیدای عضویت در کمیته ورزشکاران فدراسیون جهانی شمشیربازی معرفی شده است!» و دیگر هیچ...



سعید دقیقی و عدم حضورش در یارگیری تابستانی نشان داد بخش زیادی از توانایی‌های این تیم به او وابسته بود. تجربه ناموفق دومین فصل لیگ برتری شمس آذر نشان داد جوان‌گرایی برای بقا در لیگ برتر کافی نیست. ازاین‌رو اگر نتوانند نقشه‌راه را پیدا کنند این فصل هم می‌تواند برایشان دراماتیک به پایان برسد.

■ **در مسیر احیا**

برخلاف بسیاری از تیم‌های شهرستانی که خود را برای برگزاری مسابقاتشان در تهران آماده کردند تیم شمس آذر در ورزشگاه خانگی خود به میدان می‌رود. از آنجا که عباس علایی مقدم با حفظ سمست به‌عنوان مدیرکل ورزش جوانان استان قزوین، سرپرست مدیرعاملی باشگاه شمس آذر نیز است آماده‌سازی ورزشگاه سردار آزادگان را در دستور کار خود قرار داده. این استادیوم به‌زودی آماده برگزاری مسابقات لیگ برتر می‌شود. بر اساس آخرین اقدامات صورت‌گرفته اسکویربرد این ورزشگاه در دست تعویض بوده و نور استادیوم نیز افزایش یافته است. یکی از مشکلات ورزشگاه سردار آزادگان محل استقرار اتوبمیل‌ها در پارکینگ بود که به با طرف‌رضایی مشکلات پارکینگ، استادیوم سردار آزادگان در شرایطی بهتر برای فصل بیست‌وپنجم آماده می‌زبانی از رقابت‌تیم شمس آذر است. شمس آذری‌ها در تلاشند تا مجوز حرفه‌ای را دریافت کرده و برای فصل آینده از خطر کسر امتیاز خلاص شوند. ازاین‌رو همه تلاش خود را می‌کنند تا با سروسامان دادن به تمام ملزومات کسب این مجوز، راه را هموار کنند. در حال حاضر آن‌ها باتوجه‌به اینکه نتوانستند مجوز حرفه‌ای کسب کنند با خطر کسر امتیاز روبه‌رو هستند. به همین دلیل دفاعیات خود را به کمیته استیناف ارائه دادند تا هر طور شده جلوی این کسر امتیازها را گرفته و با امتیاز منفی وارد مسابقات فصل بیست‌وپنجم نشوند. برای شمس آذری که فصل گذشته تا آستانه سقوط و بازگشت به لیگ یک پیش رفته بود، فصل بیست‌وپنجم فرصت مناسبی است تا خود را احیا کرده و شرایط بقا در لیگ برتر را فراهم کند. در غیر این صورت باتوجه‌به تجربه فصل گذشته، بازگرداندن این تیم به روزهای خوش گذشته کاری بسیار سخت و مشکل است.



نیلوفر مژدهی خبرنگار

شمس آذر همچون بسیاری از تیم‌های حاضر در لیگ برتر هنوز فصل شروع نشده با مشکلات عدیده روبه‌روست و مشخص نیست چه سرنوشتی در انتظار آنهاست. از کسر امتیاز احتمالی از این تیم گرفته تا روند آماده‌سازی ورزشگاه، یازگیری و مسائل مالی همه چالش‌هایی‌اند که پیش از شروع فصل بیست‌وپنجم با آن‌ها روبه‌روست.
باین‌همه آن‌ها سعی کردند با کمک گرفتن از مسئولان استان قزوین شرایط را برای این تیم تغییر دهند و به‌نوعی روند مالی باشگاه را تغییر داده و بهبود ببخشند. شاید به این شکل از مشکلات عدیده‌ای که اطرافشان را فرا گرفته فاصله بگیرند و فصلی بدون چالش را سپری کنند.

■ **فرصت شمس آذر به مربی جوان**

فصل بیست‌وچهارم پس از تغییرات پرتعداد مربیان تیم شمس آذر با مهدی رحمتی به پایان رسید. عملکرد این مربی باتوجه‌به امکانات موجود بد نبود. ازاین‌رو تصور می‌شد شمس آذر‌ها با او به کارشان ادامه دهند. شرایط اما آن‌طور که پیش‌بینی می‌شد ادامه پیدا نکرد و اختلافات بین مهدی رحمتی و مدیریت باشگاه شمس آذر باعث شد در نهایت قرعه به نام وحید رضایی درآید. رحمتی به دلیل میهن‌نشدن شرایط مالی بی‌اساس بودن وعده‌ها نتوانست تمرینات را استارت بزند و در نهایت پس از ناامید شدن از قول و قرارهای بی‌نتیجه مدیران این باشگاه ترجیح داد شانس خود را در تیمی دیگر امتحان کند. وحید رضایی به‌عنوان یک مربی تازه‌وارد به لیگ برتر که سابقه فقط یک بازی مربیگری در این سطح آن هم روی نیمکت نساجی مقابل تیم هوادر دارد آماده چالشی جدید است. البته او چند سالی است که در سطوح پایین‌تر مربیگری می‌کند. شاید سپردن سکان هدایت تیم شمس آذر به او یکی از جالب‌ترین اتفاقات فصل پیش

